



پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

پیش‌تر گفته بودیم که تمدن آریاها از ۵ تا ۶۰۰۰ سال قبل آغاز می‌شود. برخی از پژوهش‌گران تاریخ و نژادهای انسانی بر این باورند که نژاد اصلی ایرانیان آریایی بوده و ساکن بخش‌های شرقی و جنوب شرقی دریاچه‌ی آرال و دره حاصلخیز بین دو رود سیحون (سیر دریا) و جیحون (آمویه دریا) در ازبکستان امروزی بوده‌اند که ایران ویج نام داشته است. سرزمینی که بعدها فرار رود (ماوراءالنهر) نام گرفت. این پژوهش‌گران می‌گویند، نژاد آریایی ساکن در این سرزمین به سه شاخه تقسیم شده‌اند و در یک مهاجرت بزرگ تاریخی، شاخه‌ای به نواحی مرکز فلات ایران آمده‌اند، شاخه‌ی دوم به نواحی جنوبی و به سمت شبه قاره هندوستان کوچ کرده‌اند و شاخه‌ی سوم از قسمت‌های شمالی و شمال غربی محل سکونت اولیه‌ی خود به سمت قاره اروپا مهاجرت نموده و در آن قاره اقامت گزیده‌اند.

گروه دوم پژوهش‌گران نژادهای انسانی می‌گویند، محل زندگی نخستین نژاد یاد شده دره سند و کرانه‌های رودخانه‌ی کنگ در بخش‌های شمال شرقی شبه قاره هند بوده و به همین مناسبت ایندو-آرین نامیده می‌شده‌اند. این نژاد نیز بنا به دلایل تاریخی و در یک مهاجرت بزرگ به سه شاخه تقسیم می‌شوند. شاخه‌ای به سمت ایران می‌آیند و در نواحی حاصلخیز فلات ایران ساکن می‌شوند. شاخه‌ی دوم به سمت اروپا می‌روند و در قسمت‌های مختلف این قاره ساکن می‌شوند و به همین مناسبت نژاد آن‌ها ایندو - یورپین نامیده می‌شود. شاخه‌ی سوم در همان محل اولیه باقی می‌مانند و گروه‌هایی از آن‌ها به نواحی شرقی و مرکزی شبه قاره هند مهاجرت کرده و در سرتاسر سرزمین هندوستان پخش می‌شوند.

موضوع اصلی گفتمان ما درباره شاخه‌ای است که در ایران مستقر شده‌اند. اشاره‌ای کردیم به حمله‌ی اسکندر مقدونی به ایران و اینک دنباله‌ی آن

پژوهش‌گران تاریخ و تمدن ایران دو نظریه راجع به سرزمین اصلی و مادری قوم آریا ارائه کرده‌اند: ۱- هندوستان ۲- ایران ویج

امپراتوری فرود نیارود، آثاری نوشته شده در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی، هنری، پزشکی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و دینی نداشته باشد! امپراتوری‌های بزرگ، بی‌تردید به منظور حفظ قدرت و ثروت خود نیازمند وضع قوانین و مقررات اداری، اجتماعی و امنیتی بسیار گسترده و شایان توجهی هستند که وزارت‌خانه‌ها، اداره‌ها و سازمان‌های متفاوتی همراه با وزیران و مقامات بلند پایه‌ی حکومتی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی باید آن را در یک سلسله مراتب بسیار منظم و در عین حال پیچیده ملی - دولتی اداره نمایند. نمی‌توان تصور نمود که امپراتوری عظیمی به مانند امپراتوری کوروش و داریوش کبیر هخامنشی، جهان آن روز را در زیر قدرت اقتصادی و نظامی خود داشته باشد، اما از

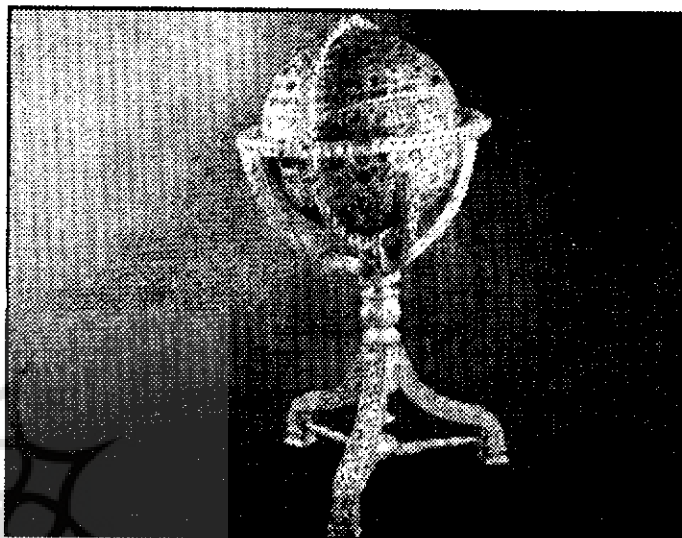
بنابراین، چنانچه بخواهیم تاریخ ادبیات ایران را در یک دوره ۳۰۰۰ ساله مورد پژوهش قرار دهیم از ۱۰ قرن نخست، یعنی هزاره پیش از میلاد به دلایلی که بیان شد، نخستین یورش وحشت‌انگیز مقدونیان و دومین یورش سهمگین اعراب، تمام آثار و مستندات و نوشته‌ها و کتاب‌ها منهدم گردید و یا بسوخت. هیچ‌کس نمی‌تواند در این حقیقت تردید نماید که امپراتوری عظیمی همانند امپراتوری هخامنشیان که شرق و غرب عالم را درنوردیده بود و هیچ قدرت و حکومتی نبود که سر به فرمان پادشاهان بزرگ این

هدف اصلی ما در نگارش این تحقیق، گذاری نقدگونه بر تاریخ ادبیات ایران از نخستین سال‌های سده پیدایش فرهنگ و تمدن این قوم تا نخستین روزهای قرن بیستم میلادی است. بنابراین و برابر آن چه که تاکنون مشخص شده است یکی از پیش‌آمدهای بسیار مهم تاریخی، اجتماعی و دینی هزاره نخست پیش از میلاد ظهور پیامبری است به نام «زرتشت» و کتاب دینی مشهور او به نام: «اوستا». دیدیم کتاب ارزشمند «اوستا» چگونه در عصر یورش مقدونیان به ایران از بین رفت و پس از جوان مرگ شدن اسکندر کبیر و سقوط امپراتوری

وی و تقسیم آن بین سردارانش، ده‌ها سال از آن خبری نبود تا به کوشش پادشاهان اشکانی و بعد از آنان ساسانی، بخش‌هایی از این کتاب بزرگ که توسط ایرانیان علاقه‌مند به آداب و فرهنگ خود طی نسل‌های متمادی از سینه‌ای به سینه‌ی دیگری منتقل شده بود، تدوین گردید و در کتاب‌خانه‌های معتبر و بزرگ آن زمان جای گرفت.



هنر نوشتن و خلق آثار کتبی محروم باشد! بنابراین حادثه‌ای شوم باید تمام آن آثار را منهدم نموده و از پهنه‌ی گیتی سترده باشد و این حادثه‌ی شوم چیزی جز دو یورش سهمگین تاریخی نیست، که نخستین آثار امپراتوری هخامنشی را نابود کرد و دومین هر آن چه از آغاز تمدن آریاها در ایران عصر هخامنشی و بعد از آن و تا پایان دوره یزدگرد سوم ساسانی را یافت بسوخت و منهدم نمود.



آثار ادبی و اجتماعی نخستین هزاره قبل از میلاد به ویژه حدود ۶۰۰ سال از آن ۱۰۰۰ سال تاریخ گم‌شده، به صورت نوشته شده وجود ندارد. تنها عنصر شایان توجه و موجود، داستان‌های دینی - حماسی می‌باشند که از نسلی به نسل دیگر و به صورت سینه به سینه نقل شده‌اند و یا در سنگ نیشته‌ها و کتیبه‌ها و اشیاء و آثار زیرخاکی به صورت پراکنده به جای مانده‌اند.

خط این دوره، میخی است و زبان رسمی و دیوانی امپراتوری هخامنشی، آرامی می‌باشد.

آثار فراوانی از این عصر به زبان آرامی که بر روی چرم نوشته شده در سرزمین مصر و بابل و ایلام که جزو متصرفات هخامنشیان بوده است، به دست آمده و همچنین در تخت‌جمشید و بیستون نیز کتیبه‌هایی به زبان آرامی وجود دارد. در هزاره پیش از میلاد و به ویژه در عصر امپراتوری هخامنشیان زبان رایج این عصر **فارسی باستان** است، اما خط رسمی آن **میخی** است که به جز در

کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی در همدان، دشت مرغاب، بیستون، تخت‌جمشید، نقش رستم، شوش، کانال سوزن (مصر) و الوند در جای دیگری مشاهده نشده است. این کتیبه‌ها دارای ارزش بسیار بالای تاریخی می‌باشند.

گفتیم که برجسته‌ترین و مهم‌ترین اثر فرهنگی - ادبی این عصر کتاب «اوستا» است که پژوهش‌گران می‌گویند زردشت پیامبر به فرمان گشتاسب شاه این کتاب را همراه با تفسیرهای مختلف بر روی صدها پوست گاو یا هزاران لوح زرین نوشت.

از نسخه‌ی اصلی، رونوشت‌های فراوانی تکثیر و توزیع شد که در حال حاضر از آن صدها پوست گاو و هزاران لوح زرین اثری در دست نیست. آن چه که امروز اوستا خوانده می‌شود در محدوده قرن سوم میلادی از پند و اندرز

و سخنان زردشت که توسط شاگردان و پیروانش سینه به سینه نقل شده بود، جمع‌آوری گردیده و به صورت کتابی مدون

حدود ۵ تا ۶۰۰۰ سال پیش در یک مهاجرت بزرگ و شکفت‌انگیز تاریخی نژاد آریا به چندین شاخه تقسیم می‌شوند.

درآمده است. نسخه‌های اصلی و گران بهای این کتاب در گنجینه‌های پادشاهان نیمه‌ی نخست هزاره بعد از میلاد و به ویژه در کتابخانه‌های بزرگ پادشاهان ساسانی نگاه‌داری می‌شده که در دومین یورش بزرگ به ایران و انهدام امپراتوری ساسانی، علاوه بر چپاول خزاین پادشاهان ساسانی در جشن‌های بزرگ کتاب‌سوزان، باقی‌مانده کتاب اوستا نیز سوزانده شده است.

و اما از دوره بسیار طولانی اشکانیان که تاریخی نزدیک به ۵۰۰ سال یعنی ۲۵۰ سال پیش از میلاد تا ۲۲۶ سال بعد از میلاد را دربرمی‌گیرد، آثار و نوشته‌های علمی و ادبی به استثنای لوح‌های طلا، نقره، مس، آهن و



شماره ۳۷

برنز و آثار باستانی زیرخاکی و سکه‌ها، چیز دیگری باقی نمانده است. خط رسمی این دوره تقریباً ۵۰۰ ساله که به

۲۲۶ میلادی ختم می‌شود، خط ناپیوسته و یا **خط کتیبه‌ای** است و زبان رسمی امپراتوری اشکانی زبان **یونانی و آرامی** بوده است. گمان می‌رود که آثار نوشته شده ادبی و داستان‌های حماسی اشکانیان به

امپراتوری هخامنشی سرسلسه‌ی حکومت‌های قانون‌مند و سازمان‌یافته‌ی تاریخ ایران است.

صورت شفاهی رواج داشته و سینه‌به‌سینه به نسل‌ها منتقل گردیده است. از دوره طولانی تاریخ امپراتوری اشکانیان هیچ نوشته‌ی رسمی، غیررسمی، دینی و دولتی به زبان پارسی و یا پهلوی اشکانی بر جای نمانده است. اما، در این زنجیر بسیار قدرتمند ۵۰۰ ساله، به نظر می‌رسد حلقه‌ای مفقوده وجود داشته باشد. همان‌گونه که امپراتوری عظیم هخامنشیان در یک دوره ۲۳۰ ساله نمی‌تواند آثار نوشته شده علمی و ادبی و اجتماعی نداشته باشد؛ امپراتوری اشکانیان نیز در دوره حکومت قدرتمند ۴۷۶ ساله‌ی خود نمی‌تواند دارای چنین آثار نوشته شده و مهمی نباشد. آن حلقه‌ی مفقوده زنجیر عظیم تاریخ ایران زمین می‌تواند علت‌های چندی داشته باشد مانند:

۱- فرض شود که اشکانیان هیچ‌گونه کتاب، اثر فرهنگی، علمی یا تاریخی نداشته و اگر داشته‌اند، تمایلی به جمع‌آوری و ثبت و ضبط آن نشان نداده‌اند.

۲- به علت تنفر پادشاهان ساسانی از دوران تسلط اشکانیان که آنان را بازماندگان اسکندر مقدونی می‌دانسته‌اند، نسبت به جمع‌آوری و ثبت و ضبط آثار آن دوره بی‌توجه بوده‌اند.

۳- صدور فرمان کتاب‌سوزان و انهدام تمام آثار باقی‌مانده از دوره اشکانیان توسط پادشاهان ساسانی که بسیار دور از ذهن است.

۴- انهدام آثار باقی‌مانده از دوران اشکانیان در جنگ‌های متعدد ایران و یونان در دوره



ساسانیان.

سه انهدام و نابودی تمام آن چیزهایی که نشانی از فرهنگ و تمدن ایرانی داشته است در حمله‌ی اعراب به ایران.

۶- انهدام، سوختن و نابود کردن باقی‌مانده آثار تمدن ایرانی در حمله‌های مکرر غلامان و غلام‌زادگان ترک و چنگیز، تیمور، هلاکو و بازماندگان آن‌ها.

بنابراین و با توجه به اطلاعات بسیار اندکی که از آن دوره طولانی ۵۰۰ ساله در

آثار علمی، ادبی و تاریخی ایران در محدوده ۶۰۰ سال پیش از میلاد مفقود است.

اختیار است، اشکانیان به سال ۲۲۶ میلادی جای خود را به امپراتوری بزرگ ساسانیان می‌دهند. امپراتوری تازه تأسیس ۲۲۶ سال دوام می‌آورد و همانند امپراتوری بزرگ هخامنشیان بر بخش بزرگی از گستره جهان آن روز فرمان‌روایی مقتدرانه داشته است. عصر امپراتوری ساسانی چون نزدیک به عصر پیروزی اسلام و حکومت اعراب در بخش بزرگی از جهان آن روز می‌باشد، دوره‌ای به یاد ماندنی و همراه با ویژگی‌های خاص این دوره است.

ما در تحقیق علمی و ادبی و تاریخی خود با سرعتی بسیار زیاد و فقط در شکل واژگان این نوشتار با آغاز امپراتوری ساسانی، ۱۲۲۶ سال یعنی دوازده سده و ۲۶ سال از تاریخ فرهنگ و تمدن ایران زمین را پشت سر گذاشتیم و اثری از هیچ نویسنده، شاعر، دانشمند، فیلسوف و حکیم در تاریخ ادبیات سرزمین ایران در این دوره طولانی نیافتیم.

از عصر ساسانیان که به درستی عصر فرهنگ و علم و اندیشه‌ی ایران نام گرفته است، آثار نوشته شده و کتاب‌های مدون به استثنای سنگ‌نبشته‌ها، کتیبه‌ها، سفال‌ها، لوح‌های فلزی و وسایل فراوان زیرخاکی، چیز دیگری در دسترس نیست. اگر هم آثاری وجود داشته در یورش اقوام بی‌گانه و فرهنگ ستیز نابود گردیده‌اند.

کتیبه‌های ساسانی بیش‌تر با دو خط به نگارش درآمده‌اند: الف - خط پهلوی کتیبه‌ای یا ناپیوسته ب - خط پهلوی پیوسته. در موارد استثنایی برای نگارش کتیبه‌ها از سه زبان پهلوی و اشکانی و یونانی نیز استفاده شده است که بیان‌کننده تسلط این قوم به زبان‌های زنده آن روزگاران می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که پادشاهان ساسانی در ثبت و ضبط آثار علمی و فرهنگی دوران حکومت خود، فرهنگ ستیز نبوده‌اند و حتی از خط و زبان رقبای سیاسی و حکومتی نیز استفاده کرده‌اند.

با توجه به وجود اسناد و مدارک تاریخی و پیدا شدن آثار تمدن در کاوش‌های دیرین‌شناسان از قسمت‌های مختلف ایران و بخش‌هایی از آسیای میانه، پیشینه‌ی تاریخی فرهنگ و تمدن ایران از نخستین روز جدایی از هم‌نژادان آریایی و هندی خود در دره سند و گنگ تا پایان قرن بیستم میلادی به ۸ دوره تقسیم می‌شود:

۱- چنان‌چه تاریخ جدایی‌نژاد «ایندو- آریا» را از دره سند و گنگ که زیستگاه نخستین

در دو یورش سهمگین به سرزمین ایران، بخش بزرگی از میراث فرهنگی گیتی نابود شد و صدها سال تاریخ تمدن ایران زیر خاک مدفون گردید.

آن‌ها در هندوستان بوده است صفر حساب کنیم، از همان روز حرکت تا پایان روزی که این قوم جدا شده از نژاد اصلی خود صرف حرکت، مهاجرت، عبور از سرزمین‌های ناشناخته، تحمل سختی‌های جان‌کاه و پیدا کردن مکانی مناسب و استقرار دایمی کرده‌اند ۲۰۰۰ سال برآورده شده است. ۲۰۰۰ سال

۲- طول مدت جمع شدن و تشکیل نخستین هسته‌های اجتماعات بدوی، ۱۵۰ سال

۳- تشکیل نخستین سلسله‌ی پادشاهی به نام پادشاهان ماد (۸۵۰ پیش از میلاد) و طول مدت حکومت پادشاهان مختلف این سلسله ۱۶۰ سال

۴- از آغاز تا پایان پادشاهی هخامنشیان تا

پایان آن ۲۴۰ سال

۵- از آغاز یورش اسکندر مقدونی، حکومت مقدونیان، سلوکیان تا پایان حکومت اشکانیان ۵۵۰ سال

۶- از آغاز پادشاهی ساسانیان تا پایان آن و کشته شدن یزدگرد سوم ساسانی ۴۲۰ سال



۷- از آغاز حمله‌ی اعراب و شکست یزدگرد سوم و انهدام پادشاهی ساسانی تا سال ۲۶۱ هجری قمری برابر ۸۷۴ میلادی که سال حکومت سامانیان و روی کار آمدن سلسله‌های مستقل ایرانی می‌باشد. ۲۲۲ سال

۸- از آغاز حکومت‌های مستقل ایرانی و حکومت‌های بعد از آن به سال ۸۷۵ میلادی تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱۱۲۶ سال

توضیح = چنان‌چه ۱۲۱ سال کسری تاریخ ۵۰۰۰ ساله‌ی هشت دوره بالا را سال‌های حکومت‌های بی‌نام و نشان و غیرمشهور بین سلسله‌های معتبر پادشاهی بنامیم، جمع کل سال‌های تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین از آغاز تا پایان سال ۲۰۰۰ میلادی، ۵۰۰۰ سال می‌شود که با تقسیم‌بندی ۸ دوره‌ای بالا برابر است.

«ادامه در شماره آینده»

انتشارات شاهنامه

متخصص در چاپ آثار

برتر شما

۶۷۲۷۰۸۵ - ۶۷۳۱۷۶۲